

اصول اخلاق بازرگانی در اسلام

چکیده

در اسلام اصول اخلاق اسلامی بر رابطه انسان با خالق خود تأکید می‌نماید و پشتوانه قانون و اخلاق فقط و فقط دین است. دین اسلام بنیاد اقتصادش را بر محور بودن انسان و مرکزیت دادن به انسان پی افکنده است. اسلام از انسان می‌خواهد تا مصرفهای مالی خود را تابع نیازمندیهای معنوی و فطرت خود سازد.

هر روزه انسانها با موضوعات اخلاقی بسیاری روبه‌رو می‌شوند و کمتر کسانی می‌دانند چه باید بکنند. در اسلام اصول اخلاق تمام جنبه‌های زندگی را اداره می‌نماید. این اصول را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از اصول که مابین درست و غلط تمایز ایجاد می‌کند، در نظر گرفت. اصول اخلاقی یک رشته هنجارهایی است که تجویز می‌کند فرد چه کارهایی را باید انجام دهد و از چه کارهایی باید اجتناب ورزد. چارچوب مرجع اصول اخلاقی بازرگانی به سازمانها محدود می‌گردد. قرآن کریم طیف وسیعی از واژه‌ها را برای توصیف مفهوم «خوبی» مورد استفاده قرار می‌دهد که عبارتند از «خیر»، «بر»، «قسط»، «عدل»، «معروف»، «حق» و «تقوی».

رفتار اخلاقی ممکن است بستگی به عواملی داشته باشد که رفتار اخلاقی را تعریف کرده‌اند. این عوامل عبارتند از: تعابیر قانونی، عوامل سازمانی و عوامل فردی، که عوامل فردی نیز متأثر از عوامل دیگری می‌باشد. راهنماهای اصول اخلاقی در بسیاری از سازمانها موردپسند واقع شده‌اند و اغلب برای صنایع مختلف متفاوتند. سازمانهایی که درگیر تجارت حلال می‌شوند می‌توانند توسط توسعه اصول اخلاق اسلامی رفتار اخلاقی را پرورش دهند.

سیستم اخلاقی اسلام با سیستمهای اخلاقی سکولار و دستورات اخلاقی سایر ادیان متفاوت است. مسلمانان اصولی دارند که نه به زمان بستگی دارد و نه توسط هوسهای انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اصول اخلاق اسلامی نه تنها به منافع خود و بنگاه اقتصادی می‌اندیشد بلکه منافع اجتماع را نیز در نظر می‌گیرد.

۱. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

۲. عضو پژوهشکده مطالعات سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران.

کلید واژگان:

اخلاق بازرگانی - رفتار اخلاقی - هوسهای انسانی - منافع اجتماعی.

قال الله في كتابه الكريم :

كتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر...^۱

«شما بهترین مردمی هستید که بر ترغیب مردم به نیکوکاری و تخدیر مردم از بدکاری قیام کردید.»
هر روزه انسانها با موضوعات اخلاقی بسیاری روبه‌رو می‌شوند و کمتر کسانی می‌دانند چه باید بکنند. مروری بر مقالات چاپ شده طی یک هفته در وال‌استریت ژورنال در سال ۱۹۹۱ میلادی مجموعه‌ای از معضلات اخلاقی را که کارکنان با آنها روبه‌رو هستند نشان داد:

دزدی، دروغ‌گویی، تقلب و غیره. مطالعات بسیاری در کشور امریکا و عرصه بین‌المللی انجام پذیرفته که رفتارهای رایج غیراخلاقی را در عرصه بازرگانی نشان می‌دهد. به طور مثال، یک مطالعه جدید بر روی ۲۰۰۰ شرکت بزرگ امریکایی مشکلات اخلاقی زیر را (به ترتیب اهمیت) که مدیران با آنها مواجهند آشکار نمود.^۲

۱- مواد مخدر و الکل

۲- دزدی کارکنان از شرکت

۳- تعارض در علایق

۴- مباحث کنترل کیفیت

۵- تبعیض در استخدام و ترفیع

۶- استفاده غلط از اطلاعات مربوط به مالکیت

۷- سوء استفاده از حسابهای شرکت

۸- تعطیل شدن کارخانه یا اخراج کارکنان

۹- استفاده غلط از داراییهای شرکت

۱۰- آلودگی محیط

می‌توان گفت به طور کلی اکثر شرکتهای بازرگانی دنیا از لحاظ ارزشهای اخلاقی دچار کاستی و کمبود هستند. در مطالعه ۳۰۰ شرکت چند ملیتی و جهانی بیش از ۸۵٪ مدیران ارشد بیان کردند که عمده مسائل اخلاقی آنها عبارتند از: تعارض در علایق کارکنان، هدیه‌های نامناسب، آزار و اذیت جنسی و پرداختهای تصویب نشده^۱.

آیا برای بازرگان مسلمان، ساده‌اندیشی است در یک محیط رقابتی جهانی به طور اخلاقی رفتار کند؟

پاسخ یقیناً منفی می‌باشد.

در اسلام اصول اخلاق تمام جنبه‌های زندگی را اداره می‌کند. شرایط موفقیت ابدی یا «فلاح» در اسلام برای تمام مسلمانان یکسان است، حال چه در انجام دادن امور بازرگانی‌شان باشد یا انجام فعالیت‌های روزانه.

به طور مثال، اسلام در مورد فعالیت‌های روزانه قائل به مستحباتی است که انجام آنها انسان را به فلاح می‌رساند. در کتاب شرح لمعه باب متاجر آمده: «ترك السوم مابين طلوع الفجر الى طلوع الشمس... و ترك السبق الى السوق و التأخير فيه»؛ مستحب است انسان از طلوع فجر تا طلوع آفتاب تجارت نکند زیرا این زمان، زمان دعا و مسألت از خداوند متعال است و نیز زود نرفتن به بازار و زیاد نماندن در بازار، و در این مسأله فرقی بین تاجر و غیرتاجر و بازاری و غیربازاری نمی‌گذارد.

در آموزه‌های دینی، خداوند بدون مشخص کردن زمینه موقعیتی افرادی را که به موقعیت دست می‌یابند به عنوان کسانی توصیف می‌کند که دعوت به خوبیها می‌کنند (خیر)، از درستیها بهره‌مند می‌شوند (معروف) و از بدیها اجتناب می‌ورزند (منکر).

در قرآن مجید و روایات به این نکته اشاره شده است که:

«ولكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون»^۲

«و باید از شما مسلمانان برخی (که دانا و با تقوی ترند) خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند، اینان رستگارانند.»

۱. روضه البحصیه فی شرح اللمعة دمشقیه، ج ۳، صص ۲۹۳ و ۲۹۵

۲. آل عمران / ۱۰۴

و یا: «یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و سارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین»^۱
 «امر به نیکویی و نهی از بدکاری می کنند و در نکوکاری می شتابند، اینان از جمله صالحانند».

و در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده :
 «لا تزال امتی بخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاون علی البر فاذا لم يفعلوا ذلک نزعتم منهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض و لم یکن ناصر فی الارض و لا فی السماء»^۲.

«پیروان من همواره در نیکی هستند و سعادت‌مندند در صورتی که دعوت به خوبیها کنند و از بدیها بازدارند و بر نیکیها اصرار ورزند و اگر چنین نکنند برکات از آنان گرفته می شود و بعضی بر بعض دیگر تسلط یافته و برای آنان یآوری در زمین و آسمان نخواهد بود.»

با توجه به آیات و روایات تأکید اسلام بر اصول اخلاق، مسؤلیت یک بازرگان مسلمان نسبت به افراد ذی نفع درون و برون سازمان چیست؟
 یک شرکت در زمینه بازرگانی، چه استانداردهای خاص رفتاری را باید دنبال کند، و اگر چه مدیران عالی رتبه یک شرکت رفتار اخلاقی نمونه از خود بروز دهند اما چگونه مدیران میانه یا سطح پایین تر می توانند تشویق شوند که به طریقی مشابه به طور اخلاقی رفتار کنند.
 برخی رهنمودهایی که از رفتار و اخلاق دائمی در کسب و کار یک مسلمان اطمینان می آفریند چه هستند؟

تعریف اصول اخلاقی

«اصول اخلاقی» را می توان به عنوان مجموعه‌ای از اصول که مابین درست و غلط تمایز ایجاد می کند، نامید. اصول اخلاقی یک رشته هنجاریهایی است که تجویز می کند فرد چه کارهایی را باید انجام دهد و از چه کارهایی باید اجتناب ورزد. ماجد فخری در مقاله تئوریهای اخلاقی در اسلام اصول اخلاق را این طور تعریف می کند : اصول اخلاق یک رشته هنجاری است که تجویز می کند افراد باید چه کارهایی را انجام داده و از چه کارهایی دوری ورزند.^۳

۱. آل عمران / ۱۱۴

۲. تهذیب ج ۲ ص ۵۸

۳. الخلاق النظرية، ص ۱۰ (برگرفته از فلسفه اخلاق محمدرضا مدرسی)

چارچوب مرجع اصول اخلاق بازرگانی، که گاهی اوقات اصول اخلاق مدیریت یا اصول اخلاق سازمانی نامیده می‌شود به سازمانها محدود می‌گردد. نزدیکترین واژه به اصول اخلاق که در قرآن به کار رفته است «خُلُق» KHULUQ است. قرآن همچنین طیف وسیعی از واژه‌ها را برای توصیف مفهوم خوبی مورد استفاده قرار می‌دهد.

خیر (خوبی): «ولکل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات...»^۱

«هر کسی را جانبی است که بدان روی می‌آورد پس در نیکی کردن بر یکدیگر سبقت گیرد.»

birr (بر) درستکاری: «لحم جنات تجری من تحتها الانهار... و ما عندالله خیر للابرار»^۲

«برای آنان که از پروردگارشان می‌ترسند بهشت‌هایی است که در آن نهرها جاری است همواره در آنجا مهمان خدا هستند و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.»

قسط (انصاف): «یا ایهاالذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله...»^۳

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عدالت فرمانروا باشید و برای خدا شهادت دهید.

عدل (توازن و عدالت): «ان الله یامر بالعدل والاحسان و ابتاءذی القربی و...»^۴

«خدا به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد.»

حق (حقیقت و درستی): «و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبواالحق و انتم تعلمون»^۵

«حق را با باطل میامیزید و با آن که حقیقت را می‌دانید کتمان‌ش می‌کنید.»

معروف (شناخته شده و تأیید شده): یا بنی اقم الصلوۃ و امر بالمعروف...»^۶

«پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن.»

۱. بقره / ۱۴۸

۲. آل عمران / ۱۹۸

۳. نساء / ۱۳۵

۴. نحل / ۹۰

۵. بقره / ۴۲

۶. لقمان / ۱۷

تقوی (پرهیزگاری): «قل اوتیکم بخیر من ذلکم للذین اتقوا عند ربهم جنات...»^۱
 بگو: آیا شما را به چیزهای بهتر از اینها آگاه کنم؟ برای آنان که پرهیزگاری پیشه کنند،
 در نزد پروردگارش بهشتی است که نهرها در آن روان است.
 اعمال دین پسند salihat (صالحه، حسنه): «والذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة...»^۲

و آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند از اهل بهشتند و در آن جاویدان...
 و اعمال دین ناپسند sayyiat (سیئه): «ام حسب الذین اجترحوا السيئات ان نجعلهم كالذین آمنوا و عملوا الصالحات...»^۳
 «آیا آنان که مرتکب بدیها می‌شوند می‌پندارند که در شمار کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند قرارشان می‌دهیم.»

عواملی که در اسلام بر رفتار اخلاقی اثر می‌گذارد.

رفتار اخلاقی ممکن است بستگی به عواملی داشته باشد که رفتار اخلاقی را تعریف کرده و بر روی آن اثر می‌گذارد. این عوامل در نمودار (۱) نشان داده شده است.



۱. آل عمران / ۱۵

۲. بقره / ۸۲

۳. جاثیه / ۲۱

نمودار ۱: تعیین کنندگان اصول اخلاق شخصی

تعابیر قانونی:

در جوامع سکولار تعابیر قانونی مبتنی بر استانداردها، ارزشهای مبتنی بر فلسفه‌های پوزیتیویستی و پراگماتیسی و غالباً زودگذر می‌باشد. در یک جامعه اسلامی این ارزشها و استانداردها توسط شارع و مجموعه‌ای از احکام فقهی برآمده از بیانات شارع هدایت می‌شوند. نتیجه این روشهای مختلف چشمگیر است: زمانی در امریکا تبعیض علیه زنان و اقلیتها در رابطه با استخدام آنها قانونی و اخلاقی بود؛ در صورتی که قوانین جدید، تبعیض علیه این گروهها را غیرقانونی اعلام می‌کند. برعکس، اسلام به زنان حقوق دائمی و غیرقابل فسخ داده است و هیچ‌گاه بر هیچ مبنایی علیه اقلیتها تبعیض قائل نشده است، به طور مثال اسلام در مورد تساوی حق مالکیت اقتصادی زن و مرد می‌فرماید، «للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن»^۱ و در مخالفت با تبعیض نژادی، پیامبر (ص) می‌فرماید:

«یا ایها الناس، الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحد لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی عربی لا اسود علی احمر و لا احمر علی اسود، الا بالتقوی الاهل بلغت؟ قالونعم! قال لیبلغ الشاهد الغائب»^۲

ای مردم آگاه باشید که پروردگار شما واحد است به درستی که پدر شما نیز واحد است و برتری برای عرب بر عجم و عجم بر عرب و سیاه بر سرخ و سرخ بر سیاه نیست مگر به تقوی.

پیامبر فرمود: آیا مطلب را رساندم، مردم پاسخ دادند: بله

پیامبر فرمود: پس حاضران به غایبان ابلاغ کنند.

سیستم اصول اخلاق اسلامی از مفهوم «Caveat Emptor» «آگاهی دادن به خریدار» برخلاف بسیاری از دادگاههای غربی که فقط در چند مورد معتبر دانسته‌اند، طرفداری می‌کند و در فقه شیعه آمده است که ذکر کردن عیب کالا، از نشانه‌های ایمان کامل شخص و خیرخواهی اوست نسبت به برادر دینی خود و در این زمینه از رسول اکرم (ص) آمده است که:

۱. نساء / ۳۲

۲. تفسیر نمونه، در ذیل آیه سوره حجرات

« من باع و اشتری فليحفظ خمس خصال و الا فلايشترين و لا يبيعن الربا و الحلف و كتمان العيب و الحمد اذا باع و الذم اذا اشتری »^۱

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که خرید و فروش می‌کند باید از پنج خصوصیت اجتناب ورزد و الا خرید و فروش نکند اول: ربا، دوم: قسم خوردن، سوم: پنهان کردن عیب کالا، چهارم: تعریف کردن چیزی که می‌فروشد، پنجم: مذمت کردن کالایی که می‌خرد.

و در مستدرک الوسایل در ادامه این روایت آمده است که قال علیه‌السلام: و استعمل فی تجاربتک مکارم الاخلاق و الفعال الجميله للدين و الدنيا.^۲

معصوم علیه‌السلام می‌فرماید: در تجارت کردن اخلاق نیکو را به کار ببر و کارهای زیبا و خوب انجام بده که این کار هم برای دنیا و هم برای آخرت خوب است.

و همچنین در فقه شیعه در مبحث بیع ثمار آمده است: فروش میوه تا زمانی که هنوز شروع به رسیده شدن نکرده باشد جایز نیست، مثلاً خرما زرد تا هنوز شروع به زرد شدن نکرده، فروش آن جایز نیست زیرا اگر تلف شود قبل از شروع به رسیده شدن مشتری متضرر می‌شود.

از قوانین اسلام این نکته بر می‌آید که اسلام بر عدالت و انصاف تأکید دارد و در فقه شیعه آمده است که اگر محصولی را که ادعا شده دارای برخی ویژگیهای مطلوب است بفروشد و محصول فاقد چنین ویژگیهایی باشد خریدار مخیر است که معامله را فسخ کند و یا ارش بگیرد (مابالتفاوت جنس سالم و معیوب) که به چنین خیار، خیار عیب می‌گویند و یا «انتخاب برای توصیف غلط» نامیده می‌شود «Option for misdescription»

و از امام باقر یا امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «فی الرجل یشتری الثوب او المتاع فیجدفیه عیناً، فقال ان كان الشیء قائماً بعینه ردّه علی صاحبه و اخذ الثمن و ان كان الثوب قد قطع او خیط او صبغ یرجع بنقصان العیب»^۳

در مورد مردی که لباس یا متاعی می‌خرد و در آن عیبی می‌یابد روایت شده که امام فرموده: اگر آن شیء بعینه باقی است (از بین نرفته یا تغییر نکرده) می‌تواند به صاحبش برگرداند

۱. مستدرک الوسائل، کتاب التجاره ابواب آداب التجاره، الباب ۲، الحدیث ۲.

۲. همان کتاب، التجاره الباب ۳، الحدیث ۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، کتاب التجاره ابواب الخیار، باب ۱۶، حدیث ۳.

(پس بدهد) و پولش (ثمنش) را بگیرد و اگر (در آن تصرف کرده مثلاً) پارچه را قیچی کرده یا دوخته یا رنگ کرده می‌تواند مابالتفاوت را از فروشنده بگیرد.

عوامل سازمانی

سازمان می‌تواند بر رفتار اخلاقی اعضای خود اثر بگذارد و یکی از منابع کلیدی اثر سازمانی درجه تعهد رهبر سازمان به رفتار اخلاقی است. قرآن در مورد رهبر اسلامی خود می‌فرماید: «و انك لعلی خلق عظیم»^۱.

«و تو راست خلق عظیم» و رسول اکرم (ص) هدف از مبعوث شدن خود را برپایی مکارم اخلاق می‌داند و بدین طریق اصول و اهداف خود را بیان می‌کند.

در یک سازمان نیز این تعهد می‌تواند توسط یک راهنمای اصول اخلاق، سیاستها و خط‌مشی‌ها، ... ابلاغ گردد؛ به طور مثال شرکت زیراکس دارای یک مجموعه ۱۵ صفحه‌ای از اصول اخلاقی است که در یک قسمت آن آمده است: «ما اصول درست کاری را با مشتریان خود رعایت می‌کنیم، معاملات خارج از حدود، رشوه، روابط محرمانه و دست کاری قیمت‌ها جایز نیست، رشوه به هر صورتی باعث اخراج فرد خواهد شد، حال او هر کسی که باشد»

در این اصول اخلاق، رفتارهای خاص غیراخلاقی را به پی آمدهای منفی مرتبط می‌سازد و این پی آمدهای منفی و رفتارهای غیراخلاقی در معاملات مطرح می‌شود، ولی اسلام اصول اخلاقی را در تمام زمینه‌های زندگی پیاده می‌کند.

حال، راهنمای اصول اخلاقی در بسیاری از سازمانها موردپسند واقع شده‌اند و اغلب برای صنایع مختلف متفاوتند. اگر چه چنین راهنماهایی ممکن است رفتار اخلاقی را بین اعضای سازمانی ارتقا دهد، ولی استفاده از آنها گاهی نامناسب است. برخی سازمانها ممکن است خمر (شراب) یا سایر محصولات و خدمات حرام معامله کنند یا فروش داشته باشند و بدین ترتیب رفتار کل سازمان غیراخلاقی است. توسعه دادن و به کارگیری یک راهنمای اصول اخلاقی در این نوع سازمانها به وضوح غلط است ولی در سازمانهایی که درگیر تجارت حلال می‌شوند می‌توانند

توسط توسعه اصول اخلاقی اسلامی رفتار اخلاقی را پرورش دهند. مثلاً خداوند سبحان در مورد خمر (شراب) فرموده است: «يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس...»^۱

«اگر از شما راجع به شراب و قمار پرسیدند، بگو در آنها سود و مقدار بسیار زیادی گناه وجود دارد ولی گناه آن بیشتر از سود است».

عوامل شخصی

انسانها با ارزشهای متفاوت در سرکار حاضر می‌شوند، عواملی که بر رفتار اخلاقی فردی اثر می‌گذارد شامل موارد زیر هستند: مراحل رشد اخلاقی، اخلاقیات و ارزشهای شخصی، اثرات خانوادگی، اثرات همکاران و تجربیات زندگی.

مراحل رشد اخلاقی

پیامبر (ص) اشاره فرموده است که افراد دو مرحله از رشد اخلاقی را تجربه می‌کنند: مرحله قبل از بلوغ و مرحله بعد از بلوغ و روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده است که قلم تکلیف از چند گروه برداشته شده است.

«قال علی (ع) سمعت انا رسول الله (ص) يقول: رفع القلم عن ثلاثة: عن النائم حتى يستيقظ و عن المجنون حتى يبرء و يعقل و عن الطفل حتى يحتلم»^۲.

علی (ع) می‌فرماید: من از پیامبر (ص) شنیدم که گفت: قلم از سه کس برداشته شده است: از انسانی که خواب است تا زمانی که بیدار گردد، از انسان دیوانه تا خردمند شود و از بچه نابالغ تا زمانی که به بلوغ برسد.

از حدیث فوق دو حقیقت را می‌توان استنباط کرد: اول: برخی افراد مسؤول رفتار خود نیستند، انسان خواب، کودک قبل از رسیدن به بلوغ، دوم: انسان دیوانه مسؤول اعمال خود نیست مگر زمانی که خوب شود و منطق بر او حکمفرما گردد (اشاره به دیوانه ادواری است نه اطلاق) و نیز دانشمندان علوم اسلامی علاوه بر بلوغ فیزیکی و فکری، سه حالت یا مرحله توسعه روح یا نفس برای انسان قائل شده‌اند و قرآن نیز به این مسأله اشاره فرموده است:

۱. بقره / ۲۱۹

۲. این حزم در کتاب المحلی حدیث را از علی (ع) با اندک تغییری نقل کرده است.

(۱) اماره Ammara؛ «ان النفس لامارة بالسوء...»^۱.

نفس، آدمی را به بدی فرمان می‌دهد.

نفس اماره، مساعد بدی است و اگر کنترل نشود موجب گمراهی خواهد شد.

(۲) لوامه Lawwama: «لا اقسام بالنفس اللوامه...»^۲.

قسم می‌خورم به نفس ملامتگر

نفس لوامه که از بدی آگاه است و در مقابل آن مقاومت نشان می‌دهد و پس از توبه

درخواست بخشش خداوند را می‌نماید و سعی در بهبود دارد و امیدوار رستگاری است.

(۳) مطمئنه Mutmainna: «یا ایتهما النفس المطمئنه...»^۳.

ای روح آرامش یافته

نفس مطمئنه بالاترین مرحله است، هنگامی که روح پس از آن که عقل گرایشهای بدی را

در انسان کنترل کرد به آرامش و رضایت کامل می‌رسد، حال اگر شخصی در رفتار غیراخلاقی

پافشاری کند، اماره بر او حکمفرماست و اگر با سائق‌های منفی اماره جنگیده است به لوامه و

مطمئنه پاسخ داده است.

البته چیزی که تعامل بین این سه حالت روح و رفتار اخلاقی او را اداره خواهد کرد سطح

دین‌داری (Piety) و پرهیزگاری او است و بستگی به این دارد که فرد در کدام سطح نفس است

و این که در نبرد با وسوسه و بدی آیا در حال برنده شدن است یا بازنده شدن.

ارزشهای فردی یا شخصیت

ارزشها و روحیات یک فرد بر استانداردهای اخلاقی او اثر می‌گذارد. رفتار فردی که

درست کاری را تأکید می‌کند با رفتار فرد دیگری که مالکیت فرد دیگری را محترم نمی‌شمارد

بسیار متفاوت خواهد بود و نکته جالب این که در اسلام ناپدید شدن کامل درست کاری علامت

پیدایش آخرالزمان است (Day of Judgement) و در این زمینه روایاتی وجود دارد که هم

شیعه و هم اهل سنت آن را نقل کرده‌اند.

۱. یوسف / ۵۳

۲. قیامت / ۲.

۳. فجر / ۲۷.

قال رسول الله (ص): «سیکون بعدی خلفاء و بعد الخلفاء امراء و من بعد الامراء ملوک و من بعد الملوک جابرة ثم یخرج رجل من اهل بیتی یملأ ارض عدلاً ملئت جوراً»^۱.
رسول خدا (ص) فرمود: به زودی پس از من چند خلیفه روی کار خواهد آمد و پس از آن خلفا تعدادی امیر و پس از آن امرا تعدادی پادشاه و پس از آن پادشاهان ستمگر! آن گاه مردی از خاندان من قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می نماید همان گونه که از جور و ستم پر شده است.

و از امام صادق (ع) نقل شده است که:

«ان لصاحب هذا الامر غیبه المتمسک فیها بدینه کالخارط للقتاد (بیدیه)»^۲.

برای صاحب امر غیبتی است که در آن زمان کسی که به دین خود چنگ بزند (و بخواهد دینش را حفظ کند) مانند کسی است که بخواهد خارهای گون را با دست بکند و تمیز کند. (آن گاه حضرت صادق (ع) با دستهای مبارک نمایش دادند که این گونه با یک حرکت دست از یک سرشاخه تا طرف دیگر آن، همه خارهای آن را از آن جدا کند!)
و یا اهل سنت از رسول اکرم (ص) نقل کرده اند که:

«لا تقوم الساعة حتی تمتلی الارض ظلماً و عدواناً ثم یخرج رجل من عترتی او من اهل بیتی یملوها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»^۳.

«قیامت بر پا نمی شود تا این که زمین از ستم و دشمنی آکنده گردد، آن گاه مردی از عترت و خاندان من قیام نماید و زمین را از عدل و داد پر سازد. همان گونه که (پیش از آن) از ستم و دشمنی پر شده بود.»

از روایات استنباط می شود، زمانی که ظلم و جور زمین را فرا گیرد و قدرت در دست افراد ناشایست قرار گیرد منتظر آخرالزمان باشید.

یک متغیر شخصیتی کلیدی که ممکن است بر رفتار اخلاقی یک فرد اثر بگذارد حیطة کنترل اوست. حیطة کنترل یک فرد به میزانی که او اعتقاد دارد رفتارش بر زندگانی اش اثر

۱. کنز العمال حدیث ۳۸۶۶۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.

۳. مسند احمد، باقی مسند المکثرین. ح ۱۰۸۸۷.

می‌گذارد، بستگی دارد حیطة کنترل درونی به این معنی است که یک فرد اعتقاد دارد می‌تواند رویدادها را در زندگی‌اش کنترل کند در نتیجه این‌گونه افراد مسؤولیت پی‌آمدهای رفتاری خود را قبول می‌کنند، برعکس یک فرد با حیطة کنترل خارجی اعتقاد دارد که سرنوشت، شانس یا افراد دیگر زندگی او را کنترل می‌کنند و چنین فردی اعتقاد دارد که نیروهای خارجی سبب می‌گردند که او اخلاقی یا غیراخلاقی رفتار کند. به طور کلی احتمال بیشتری دارد که افراد با حیطة کنترل داخلی نسبت به افراد با حیطة کنترل خارجی تصمیمات اخلاقی بگیرند و کمتر به فشارهای ناشی از رفتارهای غیراخلاقی سر تسلیم فرود بیاورند و در مقابل صدمه زدن به دیگران حتی اگر دستور از یک مافوق باشد، مقاومت نشان خواهند داد و شاید بتوان گفت که این همان عقیده معتزله و اشاعره است که قائل به جبر و اختیار هستند ولی شیعه قائل به «امر بین الامرین» است.

اثرات خانوادگی

استانداردهای اخلاقی از کودکی در افراد شکل می‌گیرد و پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) اهمیت پرورش خانواده را تأکید کرده‌اند و از امام صادق (ع) نقل شده است که:

اذا بلغ الغلام ثلاث سنين قل له سبع مرات لا اله الا الله ثم يترك حتى يتم له ثلاث سنين و سبعة اشهر و عشرون يوماً ثم يقال له قل: «محمد رسول الله» سبع مرات و يترك حتى يتم له اربع سنين ثم يقال له قل سبع مرات: «صلى الله على محمد و آل محمد» ثم يترك حتى ياتي له خمس سنين ثم يقال له «ايهما يمينك و ايهما شمالك» فاذا عرف ذلك حول وجهه الى القبلة و يقال له «اسجد» ثم يترك حتى يتم له ست سنين فيقال: «صل و علم الركوع و السجود» حتى يتم له سبع سنين قيل له: «اغسل وجهك و كفيك» «فاذا غسلهما قيل له» صل ثم يترك حتى يتم له تسع سنين فاذا تمت له علم الوضوء^۱

«و هنگامی که کودک به سه سالگی رسید او را وادار کن تا هفت مرتبه «لا اله الا الله» بگوید سپس او را آزاد بگذار تا سه سال و هفت ماه و بیست روزش تمام شود آنگاه وادارش کنید تا هفت مرتبه «محمد رسول الله» بگوید بعد او را آزاد بگذار، تا چهار سال او تمام شود، آن‌گاه او را به گرفتن هفت مرتبه «صلى الله على محمد و آل محمد» وادار کن. پس او را آزاد بگذار تا

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

هنگامی که پنج سالش تمام شود، آن گاه دست راست و چپش را به او یاد بده. وقتی آنها را شناخت، او را به سمت قبله بنشان و به او بگو: «سجده کن» سپس او را تا شش سالگی آزاد بگذار و بعد از آن به او نماز خواندن و رکوع و سجود را یاد بده. هنگامی که هفت سالش تمام شد، به او بگو: «دست و صورتت را بشوی» و هنگامی که شست به او بگو: «نماز بخوان» و بعد او را تا تمام شدن نه سالگی آزاد بگذار و سپس به او وضو را یاد بده.

یا از علی (ع) آمده است که:

«عملوا صبیانکم الصلاة و خذوهم بها اذا بلغوا ثمانی سنین»^۱

نماز را به فرزندان خویش تعلیم دهید و چون به هشت سالگی رسیدند، آنان را ترغیب به خواندن این فریضه الهی نمایید.

از این روایات استفاده می‌شود که اگر مایلید کودکان مسلمانان خوبی شوند، به شخصیت آنها در سنین پایین شکل دهید و اگر سایر اعضای خانواده همیشه از اصول اخلاقی بالایی تبعیت کنند و اگر برای رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی کودکان پاداش و تنبیه در نظر بگیرند احتمال زیادی دارد که کودکان از اصول اخلاقی بالایی برخوردار شوند ولی اگر پی آمدهای ضد و نقیض از جانب والدین صادر شود، عمل آنها به رفتار غیر اخلاقی از جانب کودک منجر می‌گردد.

اثرات همطرازان

هنگامی که کودکان رشد می‌یابند و در مدرسه حضور دارند. تحت تأثیر همطرازان قرار می‌گیرند که هر روزه با آنها ارتباط دارند. بنابراین اگر دوستان کودک روی دیوارها شکل بکشند، کودک ممکن است از آنها تقلید کند و اگر همکلاسی‌هایش از چنین رفتاری اجتناب کنند، کودک نیز احتمالاً چنین کاری را انجام نخواهد داد، این مسأله در مورد بزرگسالان نیز صادق است و لذا در اسلام تأکید زیاد بر انتخاب دوست خوب شده است. در روایتی از رسول اکرم (ص) وارد شده است که:

«جالس الابرار فانک اذا فعلت خیراً حمدوک و ان اخطات لم یعنوک».

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲.

با نیکان مجالست کن که اگر خوبی کردی تو را ستایش کنند و اگر خطا کردی با توبه سختی رفتار نکنند».

تجربیات زندگی

رویدادهای اصلی مثبت یا منفی بر زندگی افراد تأثیر گذارده و رفتار و اعتقادات اخلاقی را تعیین می‌کند، تجربه حج مالکوم ایکس اثر زیادی بر زندگی او به عنوان یک مسلمان داشت: دهها هزار زوار از سراسر جهان حضور داشتند، آنها متعلق به تمام نژادها بودند (سفید پوست، سیاه پوست...) ولی همه ما در یک مراسم مشارکت داشتیم و با این مراسم تروح و برادری نشان داده می‌شد و تجربه من در آمریکا نشان داده بود که هیچ وقت نمی‌تواند بین سفیدپوستان و سایر نژادها فرقی وجود داشته باشد و آمریکا نیاز دارد که اسلام را درک کند زیرا این تنها دینی است که مشکل نژاد را از جامعه حذف می‌کند... من هیچ وقت ندیده بودم که بدون توجه به رنگ پوست، برادری حقیقی و مخلصانه توسط تمام نژادها صورت پذیرد... ولی چیزی که در این زیارت دیدم و تجربه کردم مرا وادار نموده که الگوهای فکری خود را شکل بدهم و برخی از نتیجه‌گیریهای قبلی خودم را دور بیندازم.^۱

عوامل موقعیتی

در حالتی که افراد دچار سختی و مشقت باشند ممکن است غیراخلاقی عمل کنند؛ به طور مثال یک مدیر ممکن است مبادرت به اخراج دروغین کند تا بدین وسیله ضررهای مربوط به حوزه مسؤولیتش را پوشش دهد.

بر طبق آموخته‌های اسلام، بدهی یک دلیل برای رفتار غیراخلاقی افراد است و از آنجایی که بدهی داشتن احتمالاً منجر به رفتار غیراخلاقی می‌گردد مسلمانان وام دهنده تشویق شده‌اند که نسبت به وام گیرندگان انعطاف‌پذیری نشان دهند و در قرآن کریم آمده است که «و ان كان ذو عسره فنظرة الی میسره...»^۲

و اگر از کسی که طلبکار هستید تنگدست شود بدو مهلت دهید تا توانگر گردد.

۱. به نقل از پایان‌نامه اسلام و بازاریابی، دکتر جمال‌خانی جزینی

۲. بقره / ۲۸۰

و روایات زیادی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است که دلالت بر تشویق وام دهنده می‌کند و آن این که ثواب قرض هفتاد صدقه است و به طور همزمان، وام گیرندگان تشویق شده‌اند که بدهی خود را سر موعد بپردازند و از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «اوفوا بالعقود» به عقود و عهدهای خود وفا کنید.

سیستم اخلاق اسلامی

سیستم اخلاقی اسلام با سیستمهای اخلاقی سکولار (دنیوی) و دستورات اخلاقی سایر ادیان متفاوت است.

در سرتاسر تاریخ، مدل‌های سکولار، اصول اخلاقی را قبول می‌کردند که زودگذر و فاقد بینش عمیق بود، چرا که مبتنی بر ارزشهای انسانی بینان گذارانش می‌بود - یعنی اپیکوریانیسم یا خوشحالی به خاطر خوشحالی - این مدلها عموماً یک سیستم اخلاقی جدا از دین را مطرح می‌ساختند. به طور همزمان اصول اخلاقی که توسط ادیان دیگر مطرح می‌گردد ارزشهایی را مطرح می‌سازد که حضور ما در این جهان را نادیده می‌گیرند؛ به طور مثال مسیحیت براساس تأکید بیش از اندازه‌اش بر Mysticism، پیروان خود را تشویق می‌کند که خود را از کش و قوس فعالیتهای روزانه کنار بکشند. برعکس، اصول اخلاقی اسلامی بر رابطه انسان با خالق تأکید می‌کند، زیرا خداوند قادر و آگاه است.

مسلمانان اصولی دارند که نه به زمان بستگی دارد و نه توسط هوسهای انسانی (هواهای نفسانی) تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اصول اخلاقی اسلامی در همه زمانها قابل اجراست، چون خالق یکتا از هر چیز به انسان نزدیکتر است و خداوند دانش کامل و ابدی را داراست. اصول اخلاق اسلامی نه تنها به منافع فرد و بنگاه اقتصادی می‌اندیشد بلکه منافع اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد. رکن اساسی در اداره جوامع و تنظیم امور اجتماعات بشری قانون و اخلاق است و پشتوانه قانون و اخلاق فقط و فقط دین است. ولی در میان جوامعی که متکی به ایمانی که از عمق وجدان بشر برخاسته باشد نیستند تمام مقدساتی که اجتماع بشر دارد از جمله عدالت، مساوات، آزادی، انسانیت و ... برای آنها حقیقت پیدا نمی‌کند ولی در اسلام اخلاق و پایبندی به اصول آن سرود همدلی و همبستگی را در ضمیر انسانها طنین انداز می‌کند و ضرباهنگ آن دلها را به وحدت فرا می‌خواند و آحاد ملت از تمام اقوام و گروهها را به اتحاد و یکپارچگی دعوت می‌کند، اسلام فقط

به موجب این که عقیده واحدی ایجاد کرد مردم را متحد نکرد بلکه علاوه بر این مواضع و تبعیضات و شکافها را از بین برد.

اگر گفت «تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً» بیاید به سوی یک عقیده و ایمان که برای همه به یک نسبت خوب و حقیقت است و برای همه خیر است اگر این را گفت و توحید را پیشنهاد کرد پس از آن چنین گفت «و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» مساوات و برابری را هم پیشنهاد کرد و پیامبر اکرم (ص) در حجه الوداع فرمود: ای مردم خدای همه یکی، پدر همه یکی است همه فرزند آدم هستیم و ملاک شرافت را جز تقوی چیزی نیست. اسلام اصول تنوع شعوب و نژادهای مختلف را پذیرفت اما نه این که تنوع مایه تنازع یا ملاک فضیلت و اسبابی برای تفاخر باشد.

بلکه تنوع برای تمایز و شناخت و معرفت دسته‌ها، قبایل و گروههاست و باید بین مردم به عدالت رفتار کرد و وقتی در عدالت عقاید و اخلاق تأثیر داشته باشد قهراً در اعمال هم تأثیر دارد: «قل کل یعمل علی شاکلته» هر کسی مطابق آنچه که فکر می‌کند و عقیده دارد و مطابق حالاتی که در روحش هست، عمل می‌کند. ریشه اعمال آدمی در روح است و روح او با خدا پیوند می‌خورد و خدای قرآن از رگ گردن انسان به انسان نزدیکتر است، با انسان در داد و ستد است با او خشنودی متقابل دارد، او را به خود جذب می‌کند و مایه آرامش دل اوست: «الا بذکر الله تطمئن القلوب» بشر با او انس و الفت دارد، اوست که بشر را مشتعل و آماده فداکاری می‌کند در این جاست که نقش اخلاق که به منزله روح جامعه است مشخص می‌شود.

و از آن جا که نطفه جامعه بشری بیشتر با نهادهای اقتصادی بسته می‌شود و رفتارهای اجتماعی و فردی انسان با مسائل داد و ستد، امور اقتصادی، شغل، کسب و درآمد... در ارتباط است باید مسائل اخلاقی در این جا جاری شود. در این مقاله سعی شده است تا تأثیر مسایل اخلاقی در امور اقتصادی و بازرگانی و ... نشان داده می‌شود که اگر این امور اخلاقی نادیده گرفته شوند فجایی را در دنیا شاهد خواهیم بود و در اول مقاله اشاره‌ای به این معضلات شده ولی اگر مسائل اخلاقی در نظر گرفته شود مدینه فاضله‌ای به وجود خواهد آمد که همه مردم می‌توانند از آن سود ببرند و روح جامعه، روحی معنوی و سالم خواهد بود.

رعایت اخلاق بازرگانی براساس شریعت مقدس اسلام سبب محدودیتهایی می‌گردد که این بایدها و نبایدها موجب رشد و تعالی افراد در بنگاههای اقتصادی و در نتیجه کسب اعتماد و

حسن ظن برای آن دستگاه اقتصادی و کالا می‌شود که این موضوع می‌تواند باعث جذب سهم بیشتری از بازار و مشتریان شود. رعایت اخلاق بازرگانی براساس اصول اسلام می‌تواند تضمین منافع فرد، اجتماع و آیندگان را بنماید و این در حالی است که منافع بنگاه اقتصادی، منافع غیرمشتریان و محیط زیست نیز تأمین می‌شود. کسب رضایت الهی از اصول اولیه اخلاق بازرگانی در اسلام بوده و بر این اساس بازرگان و بازاریاب مسلمان از هر گونه مفسده و کار حرامی اجتناب می‌ورزد.

رفتار سازمانی چنان شکل می‌گیرد که در عملیات بازرگانی و بازاریابی هیچ‌گونه عمل خلاف شرعی چون ربا، تبلیغات گمراه کننده، غش در معامله و ... صورت نمی‌پذیرد و مبادله کالا به دور از هر گونه شائبه‌ای در راستای احکام و قوانین دین مقدس اسلام و با منظور کردن اهداف اقتصادی صورت می‌پذیرد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- الحیة، ج ۳.
- ۳- الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، ج ۳، صص ۲۹۳ و ۲۹۵
- ۴- تهذیب، ج ۲ ص ۵۸
- ۵- فلسفه اخلاق، پژوهشی در بنیادهای روانی، خطری، تجربی، نظری و دینی و اخلاقی، سید محمدرضا مدرس، ۱۳۷۱، انتشارات سروش.
- ۶- تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات
- ۷- مستدرک الوسائل کتاب التجارة ابواب آداب التجارة الباب، ۲، الحدیث ۲.
- ۸- مستدرک الوسائل کتاب التجارة ابواب التجارة الباب، ۳، الحدیث ۲.
- ۹- وسائل الشیعه ج ۱۲ کتاب التجارة ابواب الخیار، باب ۱۶، حدیث ۳.
- ۱۰- ابن حزم در کتاب المحلی حدیث راز علی (ع) با اندک تغییری نقل کرده است.
- ۱۱- کنز العمال، حدیث ۳۸۶۶۷.
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۵۲.
- ۱۳- مسند احمد باقی مسند المکثرین ح ۱۰۸۷۷
- ۱۴- وسائل الشیعه، ج ۱۵.
- ۱۵- وسائل الشیعه، ج ۳.
- ۱۶- پایان نامه اسلام و بازاریابی، دکتر جمال خانی جزنی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

۱۷ - Islamic Business Ethics

Dr. Rafic Issa Beekum

University of Nevada and Islamic Iraning Foundation November 01, 1996.

